

## دشمن دوست نما را نتوان کرد علاج

آنچه که محور معاشرت، رفاقت، مصاحبت و رابطه تنگاتنگ با دیگران است، یاد خدا است. با کسی رفیق شو که خدا از یادش نرود!



آنچه که محور معاشرت، رفاقت، مصاحبت و رابطه تنگاتنگ با دیگران است، یاد خدا است. با کسی رفیق شو که خدا از یادش نرود!

حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی در هشتمین جلسه تربیتی در محیط آموزشی از سلسله جلسات غیرت مؤمن بر لزوم شناخت دوست واقعی از افراد دوست نما و ظاهر فریب تأکید کرده و بیان داشتند: در انتخاب در رفاقت دقت کن! معیارت، ظاهر فریبنده نباشد! بلکه باید معیار و ملاکت، باطن باشد.

متن کامل جلسه بیست و یکم غیرت مؤمن را در ادامه می خوانیم:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

رُوي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

#171; إِنْ الْغِيْرَةَ مِنَ الْإِيْمَانِ (1)؛ غيرت از نشانه‌هاي ايمان است.

بحث ما راجع به تربیت به معنای روش رفتاری و کرداری دادن بود و گفته شد که انسان به طور معمول و متعارف در چهار محیط روش می‌گیرد؛ خانوادگی، آموزشی، رفاقتی و شغلی. فضای پنجمی هم وجود دارد که حاکم بر آن‌ها است. در جلسات گذشته بحث ما پیرامون محیط سوم یعنی محیط رفاقتی بود که نکاتی را درباره مصاحبت و معاشرت که معمولاً رفاقت‌ها هم از همین امور نشأت می‌گیرد مطرح کردیم. همچنین عرض کردم که این محیط، اثرش نسبت به دو محیط قبلی بیشتر است و چه بسا ممکن است که آثار تربیتی آنها را خنثی کند. لذا این محیط برای انسان چه در بعد تخریبی، چه در بعد سازندگی، نقش سرنوشت‌ساز دارد.

بالاخره بحث ما به اینجا رسید که آن چیزی که باید در معاشرت‌ها، رفاقت‌ها و مصاحبت‌ها و به طور کلی در روابط تنگاتنگ، محور قرار بگیرد، معنویت است. اگر معنویت محور باشد، این پیوند رفاقتی پایدار می‌ماند و در نشأتین، یعنی در دنیا و آخرت مؤثر است و انسان از آن سود می‌برد. اما اگر محور دوستی مادیت باشد، آنجا است که انسان ضرر می‌گند و حتی ممکن است که در همین دنیا نیز بالأخره پشیمان شود. روایات متعددی را نیز مطرح کردم.

اما این جلسه! در این جلسه من می‌خواهم یک قانون کلی الهی را در ارتباط با معاشرت، رفاقت و مصاحبت یعنی رابطه تنگاتنگ مطرح کنم. این آیه شریفه در سوره کهف آمده و خطاب به پیغمبر اکرم است که مسأله مصاحبت و معاشرت پیغمبر را مطرح می‌نماید. به طور کلی مجالست و معاشرت از رفاقت و پیوند رفاقتی نشأت می‌گیرد که من در ابتدا آیه شریفه را می‌خوانم بعد اشاراتی که نسبت به این جهت، در آیه وجود دارد را عرض می‌کنم. خداوند خطاب به پیغمبر اکرم می‌فرماید: #171; وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أُمْرُهُ قَرْطًا؛ (2)؛ خود را به همراه کسانی قرار ده که خدای خویش را شبان و روزان می‌خوانند و به دنبال رضایت اویند! و چشم از آنها بردار برای اینکه زیبایی‌های دنیا را می‌خواهی! و از کسی که قلبش را از یاد خویش غافل ساخته‌ایم، اطاعت نکن! همچنین از کسی که از هوای نفسش پیروی می‌کند و در کار خود زیاده روی دارد.

راجع به شأن نزول آیه بعضی‌ها گفته‌اند که پیغمبر اکرم با کسانی چون سلمان رابطه تنگاتنگی داشت که باعث شد که بعضی از دنیاداران که محور تمامی معاشرت‌ها، مجالست‌ها و رفاقت‌هایشان دنیا و مسائل مادی بود، بیایند و به پیغمبر بگویند که اگر این‌ها را از خودت دور کنی، یعنی پیوند رفاقتی‌ات را با این‌ها قطع کنی، ما می‌آییم و با تو رفیق می‌شویم. بعضی‌ها اینگونه نقل کرده‌اند که بعد از این ماجرا، این آیه نازل شد. چون من نمی‌خواهم وارد تفسیر شوم، فقط به همین مقدار که در ارتباط با بحث است عرض کردم. در این آیه چند مطلب هست که من این‌ها را شمارش می‌کنم.

یک، اینکه خداوند در امر مصاحبت، معاشرت و رفاقت امر به پایداری می‌کند. اما نسبت به چه اشخاص و چه کسانی؟ #171; وَ اصْبِرْ

تَقْسَكَ؛ امر به پایداری در رفاقت است. خداوند پیغمبر را به استقامت و پایداری در دوستی و همنشینی &#171؛ مع الذین؛ با کسانی که &#171؛ يَذْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ؛ صبح و شام خداوند، ربّ و پروردگارش را می‌خوانند امر می‌کند. &#171؛ شبانه روز؛ بحث صبح و شب نیست. اشتباه نشود! این کنایه است از این‌که اینها در طول شبانه‌روز غفلت از خدا ندارند.

انسان این‌گونه است که اگر چیزی برایش مهم بوده و از نظر درونی برایش خیلی اهمیت داشته باشد، همیشه همان چیز در نظرش مجسم می‌شود و ممکن نیست که آن را فراموش کند. بستگی دارد به آن اهمیتی که آن مسأله دارد، فکر و ذهن انسان را مشغول می‌کند. یعنی هرچه مهم‌تر باشد و بیشتر در نظر انسان اهمیت داشته باشد، بیشتر ذهن و یاد انسان را به خود مشغول می‌کند. پیش این افراد چه چیزی اهمیت دارد که پیغمبر به دوستی با آن‌ها و استقامت در این رفاقت امر شده است؟ نزد این‌ها &#171؛ خدا؛ اهمیت دارد، چون در تمام شبانه‌روز به یاد خدا هستند. خدا می‌فرماید: رفاقت را با این‌ها پایدار بدار! &#171؛ وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ؛

این یک قانون است که به شما می‌گویم. من این آیه را مطرح کردم تا به صورت کامل و واضح مطلب را بگویم. این نکته به درد همگان می‌خورد! باید رفاقت، با این افراد باشد و پایدار هم بماند. از حرف این و آن نهراس! پس در این‌جا آن‌چه که محور معاشرت، رفاقت، مصاحبت و رابطه تنگاتنگ با دیگران است، یاد خدا است. با کسی رفیق شو که خدا از یادش نرود! در طول شبانه‌روز، خدا از یادش نرود!

در این‌جا یک مسأله پیش می‌آید که من این را نیز تذکر بدهم که انسان از کجا می‌تواند بفهمد که فلان شخص، با خدا است و خدا از یادش نمی‌رود؟ چون می‌گویند ظاهر و باطن انسان‌ها کاملاً مطابق و برابر با یکدیگر نیست. مثلاً اگر کسی دائماً ذکر می‌گوید، بسیار دعا می‌خواند و ... همان کسی است که مورد بحث ما است؟ خداوند می‌گوید: نه! شعور پیدا کن و باشعور باش! بین که او این کارها را برای چه انجام می‌دهد. آیا برای ظاهر سازی است یا برای انجام تکالیف الهی؟! &#171؛ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ؛ بود، خوب است. این‌ها ظواهر است که می‌بینیم رعایت کرده و به اصطلاح متشّرع است، اما این کافی نیست. اگر ظواهر دین را اظهار می‌کند و این‌طور جلوه می‌نماید که خدا سرش می‌شود، کافی نیست. بلکه علاوه بر ظاهر نیکو باید از نظر باطن هم این‌ها &#171؛ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ؛ خدا را بخواهند. هدفشان از انجام فرائض و پایبندی به شرع این نباشد که بخواهند من و تو را فریب دهند. قصدشان ریاکاری نباشد! من باب خدعه و خودنمایی نباشد!

چون ممکن است ظاهری فریبنده داشته باشد، ولی از نظر باطن هدفی شیطانی داشته باشد! مثلاً بخواهد امثال من را که مذهبی‌ها را دوست داریم، فریب دهد. فریب ظواهر را نخور! در انتخاب در رفاقت دقت کن! معیارت، ظاهر فریبنده نباشد! بلکه باید معیار و ملاکت، باطن باشد.

من گام به گام پیش می‌روم. مطلب چهارم، که دوباره تأکید می‌کند این است که چنین آدم‌هایی را اگر به دست آوردی، اول در رفاقت با آنها پایداری کن، بعد می‌گویند دست از او نکش! چشم از او نپوش! &#171؛ وَ لَا تَعْدُوْا عَيْنًا عَنْهُمْ؛ چشم‌هایت را از این‌ها برندار! دو چشمت را از آنها برندار، کنایه است از این که پای آن بایست! یک وقت از او منصرف نشوی و به جای دیگر بروی! وقتی می‌گوییم فلانی را زیر نظر داشته باش، معنایش این است که حواست به او باشد، نکند او را از دست بدهی! چرای این قضیه هم خیلی روشن است. چون ما در بحث‌هایمان گفتیم که این رابطه، یک رابطه سرنوشت‌ساز در دنیا و آخرت است. این رابطه دوستی در نشئه قیامت هم که جاودانه است، نقش دارد و چون در نشأتین برای تو مؤثر است، نقش سرنوشت‌ساز دارد و تو را می‌سازد، چشم به او بدوز!

خداوند تا اینجا، گام به گام جنبه‌های کسانی که انسان باید در انتخاب رفیق، معاشر و مصاحب خود مدّ نظر داشته باشد را، به پیغمبر می‌فرماید. این یک قانون الهی است. چه کسی را انتخاب کنم؟ می‌گویند یک چنین آدمی را انتخاب کن! در رفاقت با او نیز، پایدار باش! از او منصرف نشو و چشم از او برندار! مقابل‌اش را هم برای تو طرح می‌کند. در همین آیه می‌گوید که مقابلش کیست. رفاقت با چه کسی نکن؟ ببینید چقدر جامع و مطلب را بیان می‌فرماید. &#171؛ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ آن کسی که فقط مادیت و نشئه دنیا را هدف‌گیری کرده است، زندگی مرفه و زیبایی‌دنیایی را دنبال می‌کند به درد دوستی و معاشرت نمی‌خورد. نهی از معاشرت و مصاحبت با این‌ها می‌کند. دلیلش هم معلوم است. چون چنین رابطه‌ای نقش تخریبی‌اش بیشتر از نقش سازندگی آن است بلکه فقط نقش تخریبی دارد.

حال ببینیم سرآمد زینت زندگی دنیایی چیست؟ اگر ما بخواهیم خلاصه‌اش کنیم، سرآمد زینت زندگی دنیا، مال و جاه است. یک وقت از کسانی که این چیزها را هدف‌گیری کرده‌اند روش‌نگری! &#171؛ وَ لَا تَطْعَمَنَّ مِنْ أَعْقَلْنَا قَلْبُهُ عَنْ ذِكْرِنَا؛ از کسی که دلش بی‌خبر از خدا است و از معنویت غافل است، پیروی نکن و از او روش‌نگری! سراغ این‌ها نرو!

بعد می‌گوید &#171؛ وَ اتَّبِعْ هَوَاةَ؛ یعنی این آدم، کسی است که همیشه اسیر خواسته‌های شهوی، غضبی و وهمی خویش است. اگر بخواهیم توضیح دهیم که &#171؛ هَوَاة؛ چیست باید بگوییم: خواسته‌های حیوانی! در یک جمله، هوا یعنی خواسته‌های حیوانی. پول، برای او بت است. ریاست، بت است. &#171؛ أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاةَ؛ در سوره جاثیه دارد

چنین آدمی هوای نفسانی خویش را خدای خود قرار داده است. &#171;وَاتَّبَعُ هَوَاهُ&#171; همان است که فرمود: &#171;أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ&#171; از این‌هایی که پول و ریاست برایشان &#171;بُتَ&#171; شده است، روش نگیری! اینها انسان را بیچاره می‌کنند. دنیا و آخرتتان را به باد می‌دهند.

این را می‌گویند، بعد می‌فرماید: &#171;وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا&#171; چنین کسی کارهایش بر محور افراطی‌گری و زیاده‌روی است. حالا توضیح می‌دهم که این یعنی چه. ما یک افراط و تفریط داریم و یک اعتدال که میانه‌روی است. این‌جا منظور آیه زیاده‌روی است. می‌گویند کسانی هستند که در بعد حیوانی‌شان زیاده‌روی می‌کنند و افراطی‌گری دارند.

انسان مجموعه‌ای از قوا است. در این شبهه‌ای نیست که هم عقل دارد، هم قلب دارد، هم شهوت دارد، هم غضب دارد، و همچنین وهم دارد. یک مجموعه است. همه این‌ها هم خوب است و حتی مقدس است. مثلاً غضب خوب است، و غضب مقدس هم داریم، مانند تنقیر از گناه. اما انسان نباید افراط‌گری کند! مرزشناسی باید داشته باشید! اگر کسی زیاده‌روی می‌کند و مرزشناسی ندارد، یعنی مرز سرش نمی‌شود و نه بُعد انسانی سرش می‌شود نه شرعی، به درد دوستی نمی‌خورد.

اعتدال به معنای حفظ مرز انسانیت و الهیت است. آقا تو هم بعد انسانی داری و هم بُعد الهی، بعد حیوانی نیز در تو وجود دارد. نباید این بُعد حیوانی بعد الهی و انسانی را در تو تخریب کند. تعبیر به افراط به این معنا است. &#171;وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا&#171; کارهایش را که نگاه می‌کنم، می‌بینم نه خدا سرش می‌شود نه انسانیت. فقط همان بُعد حیوانیت، پول و ریاست برایش مهم است و بس. نه عقل (4) سرش می‌شود، نه شرع.

چه بسا این مطلب جواب به سؤال مقدر باشد. یعنی ممکن است که کسی به ذهنش بیاید این‌که شما برای من گفتی رفیق می‌خواهی انتخاب کنی و با او مجالست و مصاحبت کنی که بعد هم می‌گویی چشم از او بردار، این چگونه آدمی است؟ خداوند در ادامه آیه مقابلات آن را می‌گوید و تو می‌فهمی که آن که باید با رفاقت کنی کیست. این طرف را برای تو روشن می‌کند تا آن طرف هم برای تو روشن شود. به کارهایش نگاه کن! به روشش نگاه کن! چه کار دارد می‌کند؟ آیا از کارهایش می‌فهمی که به دنبال خواست خدا است یا دارد ظاهرسازی می‌کند که به همان هواهای نفسانی‌اش برسد؟ چه بسا به دنبال ریاست است و می‌خواهد من و تو را فریب دهد. بحث، بحث، سُمعه و ریاکاری است - نعوذ بالله - این‌ها را نگاه نکن! بین او در ارتباط با پول، یا ارتباط با ریاست که سرآمد زیبایی‌های دنیایی است، چه رفتاری دارد. (5) این یک قانون کلی الهی است برای مصاحبت و معاشرت که این‌ها همه منشأ برای رفاقت هستند. رابطه‌های تنگاتنگ از آنها متولد می‌شود که در بحث آموزشی هم من گفتم آنجا یکی از محیط‌هایی است که رفاقت از آن بیرون می‌آید. اینجا هم از این رابطه‌ها، رفاقت بیرون می‌آید. خدا قانون کلی می‌دهد. مقابلش را هم می‌گویند. با این‌ها رفاقت کن! و با این‌ها رفاقت نکن!

من چون جلسه گذشته روایتی از علی (علیه السلام) خواندم، امروز هم به دو، سه روایت اشاره می‌کنم. علی (علیه السلام) چه تعبیرات زیبایی دارد. حضرت می‌فرماید: &#171;الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ تَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ وَالْعَدْوَانِ&#171; دوست کسی است که انسان را از ظلم و دشمنی باز دارد. &#171;رَفِيقٌ&#171; رفیق، به کسی می‌گویند که جلوی تو را بگیرد و نگذارد تو حق‌کشی و مرزشکنی کنی. &#171;مُعِينًا عَلَى الْبِرِّ وَالْإِحْسَانِ&#171; از این طرف وقتی که می‌بیند تو می‌خواهی مرز الهی را رعایت کنی و اطاعت الهی را به جا آوری، به تو کمک می‌کند. معیارهایی رفیق، این است.

&#171;صَدِيقٌ مَنْ تَهَاكَ وَعَدُوٌّ مَنْ أَعْرَاكَ&#171; (7) دوست تو کیست؟ آن‌که وقتی می‌خواهی مرزشکنی کنی، جلوی تو را می‌گیرد و نمی‌گذارد که مرزشکنی کنی. به تو می‌گوید: این کار را نکن! این خیانت است! این جنایت است! این معصیت است! رفیق با رفیق خود این‌طور حرف می‌زند. &#171;وَ عَدُوٌّ مَنْ أَعْرَاكَ&#171; آن کسی که تو را فریب می‌دهد، مغرور می‌کند و تو را به وادی مرزشکنی می‌کشاند، دشمن تو است. کاری می‌کند که تو، نه شرع سرت بشود و نه عقل. کسی که تو را از وادی انسانیت و الهیت دور می‌کند، دشمن تو است.

حضرت یک تعبیر در ارتباط با ریاست دارد که به نظر من خیلی گویا است. علی (علیه السلام) می‌فرماید: &#171;عِنْدَ زَوَالِ الْقُدْرَةِ يَتَّبِعُ الصَّدِيقُ مِنَ الْعَدُوِّ&#171; (8) هنگام پایان قدرت، دوست از دشمن شناخته می‌شود. وقتی که به ریاست (9) رسیدی دنبال تو هستند اما همین که مسئولیت را از تو گرفتند، همه می‌گویند: خداحافظ! به سلامت! آن‌جا دوست از دشمن شناخته می‌شود. آنجا می‌بینی که چه کسانی پشت کردند و رفتند و چه کسانی هم باقی ماندند. حضرت معیار می‌دهد تا کسانی را که برای دنیا به سوی تو آمدند و معیار رفاقتی‌شان دنیا بود و چه کسانی را که معیار رفاقتی‌شان دنیا نبود، بشناسی. آنجا می‌فهمی. قدرت در اینجا اعم است یعنی هر نوع تمکن و توانایی. چون ظهور قدرت در ریاست است من این‌طور گفتم وگرنه بحث دنیا است که سرآمدش ریاست و قدرت مالی است. تمکن مالی هم قدرت است. لذا تا موقعی که از نظر دنیایی دست تو پر بود با تو رفیق‌اند. اما وقتی که دست تو خالی شد، آنجا دیگر رفاقت بی رفاقت.

این تعبیرات علی (علیه السلام) معیار است. گفتم یک بحث اساسی این قانون الهی است که در باب رفاقت باید توضیح می‌دادم. لذا

ما می‌بینیم که قرآن به پیغمبرش می‌گوید با چه کسی رفاقت کن و با چه کسی رفاقت نکن! جهت آن هم روشن است، چون این رابطه نقش سازندگی دارد. لذا اگر طبق معیار الهی باشد، اصلاح می‌کند و اگر نباشد، نقش تخریبی دارد و سازندگی و تخریب هم برای انسان بسیار سرنوشت‌ساز است. هم در نشئه دنیا و هم در نشئه آخرت که جاودانه است. آن وقت در آیه داشت [#171&الأخلاء یومئذٍ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقين](#) (10)؛ توجه کن که با که رفاقت می‌کنی! گروهی رفاقت‌شان به دشمنی تبدیل می‌شود، اما دوستی گروهی دیگر پایدار می‌ماند.

---

پی‌نوشت‌ها:

- 1- وسائل الشیعه، ج 20، ص 150
- 2- سوره مبارکه کهف، آیه 28
- 3- سوره مبارکه جاثیه، آیه 23
- 4- منظور از عقل هم عقل عملی است. چون در بحث تربیت عقل عملی در کار است.
- 5- اگر شما بخواهی مطلب را باز کنی، مسائل شهوی خیلی زیاد است. شخص را باید در آن موقیت‌ها سنجید.
- 6- غرر الحکم، ص 415
- 7- همان
- 8- غرر الحکم، ص 424
- 9- البته اخیراً که می‌خواهند اسمش را عوض کنند، اسم [#171&مقام و پست](#)؛ را گذاشتند [#171&مسئولیت](#)؛. فرقی نمی‌کند!
- 10- سوره مبارکه زخرف، آیه 67